

واژه قرآنی «مَلِك» می‌تواند اتفاق عظیمی را که بخش بسیار ناچیزی از آن را تمدن نام گذاشته‌ایم، تبیین کند؛ برای تبیین تمدن از منظر قرآن نیازمند تحلیل واژه «مَلِك» در قرآن و دستیابی به ادبیاتی هستیم که این واژه در مرکزیت آن قرار دارد.

همایون افزود: در واقع پس از این است که شما هر چیز دیگری را که در حوزه تمدن‌سازی در این 30 ساله انقلاب اسلامی‌مان، در

موردش صحبت شده، می‌توانید به ادبیات ماجرای ملك و تمدن اضافه کنید.

وی ادامه داد: طبیعتاً الگوسازی‌ای که رهبران انقلاب چه حضرت امام(ره) و چه مقام معظم رهبری در دوران معاصر از مراحل انقلاب باید طی کنند، برای ما انجام می‌دهند، در این راه اهمیت اساسی دارد. برای مثال همین فرمایش مهم مقام معظم رهبری که فرمودند ما از انقلاب اسلامی شروع کردیم و به نظام اسلامی و بعد از آن به دولت اسلامی رسیدیم و سپس جامعه اسلامی و سرانجام تمدن اسلامی، الگوسازی بسیار مهمی است که در راستای همین ادبیاتی که باید شکل بگیرد، ایجاد شده است و از این دست مطالعات و بررسی‌های نظری می‌تواند کاملاً در همین موضوع ملك و تمدن اسلامی تبیین شود.

اهل علم از واقعیت عقب افتاده‌اند/ ادبیات علمی؛ مرکزیت هر اتفاق واقعی و تمدن‌سازی آگاهانه

معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه امام صادق(ع) در پاسخ به این پرسش که آیا این به معنای تقدم امور عینی و واقعیت‌های بیرونی بر شکل‌گیری ادبیات مورد نظر و جنبه‌های علمی آن است، اظهار کرد: مقصود من به هیچ وجه این مطلب نیست، بلکه مرادم این است که آن اتفاقی که در عرصه واقعیت و عینیت بیرونی می‌افتد، می‌تواند کمک کند تا این ادبیات شکل بگیرد؛ اما ادبیات علمی مرکزیت هر اتفاق واقعی و تمدن‌سازی آگاهانه است. به تعبیر دیگر اگر ما می‌خواهیم آگاهانه حرکت کنیم، باید حرکت‌مان را بر يك مبنای علمی انجام بدهیم و اولاً علم باید بنیان‌ها را ایجاد کند و بعد بر اساس آن، واقعیت شکل بگیرد.

همایون در پایان با اشاره به عقب افتادن دانشمندان و اهل علم ما از واقعیت، به ویژه در حوزه انقلاب اسلامی، گفت: ما در دوره معاصر شاهد این هستیم که همیشه واقعیت از عرصه علمی جلوتر می‌رود، اما به هر حال باید اهل علم را دعوت کنیم که شروع به نظریه‌پردازی در این باب و جبران این عقب‌ماندگی جدی کنند.